



# روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی ایران

مامل و متن قوانین - تصویبنامه ها - صورت مفصل مذاکرات مجلس شورای ملی - مذاکرات مجلس سنا  
اخبار رسمی - فرامین - انتصابات - آئین نامه ها - بخشنامه ها - آگهی های رسمی و قانونی سؤالات

۱ شنبه ۲۶ شهریور ماه ۱۳۲۹

روزنامه پستی  
پیر: سید محمد باقعی

سال ششم - شماره ۱۶۲۵  
سنه ۱

شماره مسلسل ۵۶

دوره شانزدهم قانونگزاری

عرض کنم تصحیح بفرمائید

رئیس - تصحیح شده است، در تند نویسی هم  
قید شده است آنوقت هم تصحیح شده و اصلاح ابلاغی  
هم بحسابداری نشده، آقای اردلان فرمایشی دارید  
بفرمائید

اردلان - عرض کنم که در صورت جلسه ۱۶  
مرداد بنده عرض کردم که اختیارات را باید بشهرستان  
ها تاحدی که ممکن است تفویض نمود اینجا نوشته  
شده است تعویض نمود ضمناً هم مقام ریاست اعلام  
فرمودند که بکنفر کسری کمیسیون محاسبات را  
انتخاب بنمایند که مرخصی های آقایان ترتیبش  
داده شود

رئیس - اشتباه عبارتی اگر بوده اصلاح می  
شود. آقای کشاورز صدر

کشاورز صدر - بنده عرضی ندارم.

رئیس - آقای نورالدین امامی.

نورالدین امامی - آقای دکتر مجتهدی  
مریض هستند و بمقام ریاست هم نوشته اند که تفویض  
دارند و مریض بستری هستند از آن جهت نتوانسته است  
حاضر بشود.

رئیس - اصلاح میشود. آقای شوشتری

شوشتری - در آن جلسه قرین قبل از تعطیل

مجلس راجع بسؤالاتی که از دولت کرده بودم طبق  
ماده ۱۶۸ و ۱۶۹ و اشاره بیست هفته که بعد تجدید میکنند  
و کپل سؤال خودش را اینجا مطرح شد. باین که  
اطلاع داده شود سؤالات من مهم است موضوع نفت  
است، موضوع اراضی است که باید سریعاً حاضر  
باشوند برای جواب.

رئیس - ترتیب آن داده میشود دیگر شوشتری  
نسبت بصورت جلسه نیست (که شد غیر) صورت  
جلسات سه جلسه پیش تصویب می شود چند نفر از  
آقایان تقاضای تعلق قبل از دستور کردند. آقای  
نورمان بفرمائید.

## مذاکرات مجلس شورای ملی

جلسه ۵۶

صورت مشروح مذاکرات مجلس روز ۵ شنبه ۱۶ شهریور ماه ۲۹  
فهرست مطالب

- ۱ - تصویب صورت جلسات ۱۰، ۱۲، ۱۶، ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۱، ۲۲، ۲۳، ۲۴، ۲۵، ۲۶، ۲۷، ۲۸، ۲۹، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۳۴، ۳۵، ۳۶، ۳۷، ۳۸، ۳۹، ۴۰، ۴۱، ۴۲، ۴۳، ۴۴، ۴۵، ۴۶، ۴۷، ۴۸، ۴۹، ۵۰، ۵۱، ۵۲، ۵۳، ۵۴، ۵۵، ۵۶، ۵۷، ۵۸، ۵۹، ۶۰، ۶۱، ۶۲، ۶۳، ۶۴، ۶۵، ۶۶، ۶۷، ۶۸، ۶۹، ۷۰، ۷۱، ۷۲، ۷۳، ۷۴، ۷۵، ۷۶، ۷۷، ۷۸، ۷۹، ۸۰، ۸۱، ۸۲، ۸۳، ۸۴، ۸۵، ۸۶، ۸۷، ۸۸، ۸۹، ۹۰، ۹۱، ۹۲، ۹۳، ۹۴، ۹۵، ۹۶، ۹۷، ۹۸، ۹۹، ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۰۲، ۱۰۳، ۱۰۴، ۱۰۵، ۱۰۶، ۱۰۷، ۱۰۸، ۱۰۹، ۱۱۰، ۱۱۱، ۱۱۲، ۱۱۳، ۱۱۴، ۱۱۵، ۱۱۶، ۱۱۷، ۱۱۸، ۱۱۹، ۱۲۰، ۱۲۱، ۱۲۲، ۱۲۳، ۱۲۴، ۱۲۵، ۱۲۶، ۱۲۷، ۱۲۸، ۱۲۹، ۱۳۰، ۱۳۱، ۱۳۲، ۱۳۳، ۱۳۴، ۱۳۵، ۱۳۶، ۱۳۷، ۱۳۸، ۱۳۹، ۱۴۰، ۱۴۱، ۱۴۲، ۱۴۳، ۱۴۴، ۱۴۵، ۱۴۶، ۱۴۷، ۱۴۸، ۱۴۹، ۱۵۰، ۱۵۱، ۱۵۲، ۱۵۳، ۱۵۴، ۱۵۵، ۱۵۶، ۱۵۷، ۱۵۸، ۱۵۹، ۱۶۰، ۱۶۱، ۱۶۲، ۱۶۳، ۱۶۴، ۱۶۵، ۱۶۶، ۱۶۷، ۱۶۸، ۱۶۹، ۱۷۰، ۱۷۱، ۱۷۲، ۱۷۳، ۱۷۴، ۱۷۵، ۱۷۶، ۱۷۷، ۱۷۸، ۱۷۹، ۱۸۰، ۱۸۱، ۱۸۲، ۱۸۳، ۱۸۴، ۱۸۵، ۱۸۶، ۱۸۷، ۱۸۸، ۱۸۹، ۱۹۰، ۱۹۱، ۱۹۲، ۱۹۳، ۱۹۴، ۱۹۵، ۱۹۶، ۱۹۷، ۱۹۸، ۱۹۹، ۲۰۰، ۲۰۱، ۲۰۲، ۲۰۳، ۲۰۴، ۲۰۵، ۲۰۶، ۲۰۷، ۲۰۸، ۲۰۹، ۲۱۰، ۲۱۱، ۲۱۲، ۲۱۳، ۲۱۴، ۲۱۵، ۲۱۶، ۲۱۷، ۲۱۸، ۲۱۹، ۲۲۰، ۲۲۱، ۲۲۲، ۲۲۳، ۲۲۴، ۲۲۵، ۲۲۶، ۲۲۷، ۲۲۸، ۲۲۹، ۲۳۰، ۲۳۱، ۲۳۲، ۲۳۳، ۲۳۴، ۲۳۵، ۲۳۶، ۲۳۷، ۲۳۸، ۲۳۹، ۲۴۰، ۲۴۱، ۲۴۲، ۲۴۳، ۲۴۴، ۲۴۵، ۲۴۶، ۲۴۷، ۲۴۸، ۲۴۹، ۲۵۰، ۲۵۱، ۲۵۲، ۲۵۳، ۲۵۴، ۲۵۵، ۲۵۶، ۲۵۷، ۲۵۸، ۲۵۹، ۲۶۰، ۲۶۱، ۲۶۲، ۲۶۳، ۲۶۴، ۲۶۵، ۲۶۶، ۲۶۷، ۲۶۸، ۲۶۹، ۲۷۰، ۲۷۱، ۲۷۲، ۲۷۳، ۲۷۴، ۲۷۵، ۲۷۶، ۲۷۷، ۲۷۸، ۲۷۹، ۲۸۰، ۲۸۱، ۲۸۲، ۲۸۳، ۲۸۴، ۲۸۵، ۲۸۶، ۲۸۷، ۲۸۸، ۲۸۹، ۲۹۰، ۲۹۱، ۲۹۲، ۲۹۳، ۲۹۴، ۲۹۵، ۲۹۶، ۲۹۷، ۲۹۸، ۲۹۹، ۳۰۰، ۳۰۱، ۳۰۲، ۳۰۳، ۳۰۴، ۳۰۵، ۳۰۶، ۳۰۷، ۳۰۸، ۳۰۹، ۳۱۰، ۳۱۱، ۳۱۲، ۳۱۳، ۳۱۴، ۳۱۵، ۳۱۶، ۳۱۷، ۳۱۸، ۳۱۹، ۳۲۰، ۳۲۱، ۳۲۲، ۳۲۳، ۳۲۴، ۳۲۵، ۳۲۶، ۳۲۷، ۳۲۸، ۳۲۹، ۳۳۰، ۳۳۱، ۳۳۲، ۳۳۳، ۳۳۴، ۳۳۵، ۳۳۶، ۳۳۷، ۳۳۸، ۳۳۹، ۳۴۰، ۳۴۱، ۳۴۲، ۳۴۳، ۳۴۴، ۳۴۵، ۳۴۶، ۳۴۷، ۳۴۸، ۳۴۹، ۳۵۰، ۳۵۱، ۳۵۲، ۳۵۳، ۳۵۴، ۳۵۵، ۳۵۶، ۳۵۷، ۳۵۸، ۳۵۹، ۳۶۰، ۳۶۱، ۳۶۲، ۳۶۳، ۳۶۴، ۳۶۵، ۳۶۶، ۳۶۷، ۳۶۸، ۳۶۹، ۳۷۰، ۳۷۱، ۳۷۲، ۳۷۳، ۳۷۴، ۳۷۵، ۳۷۶، ۳۷۷، ۳۷۸، ۳۷۹، ۳۸۰، ۳۸۱، ۳۸۲، ۳۸۳، ۳۸۴، ۳۸۵، ۳۸۶، ۳۸۷، ۳۸۸، ۳۸۹، ۳۹۰، ۳۹۱، ۳۹۲، ۳۹۳، ۳۹۴، ۳۹۵، ۳۹۶، ۳۹۷، ۳۹۸، ۳۹۹، ۴۰۰، ۴۰۱، ۴۰۲، ۴۰۳، ۴۰۴، ۴۰۵، ۴۰۶، ۴۰۷، ۴۰۸، ۴۰۹، ۴۱۰، ۴۱۱، ۴۱۲، ۴۱۳، ۴۱۴، ۴۱۵، ۴۱۶، ۴۱۷، ۴۱۸، ۴۱۹، ۴۲۰، ۴۲۱، ۴۲۲، ۴۲۳، ۴۲۴، ۴۲۵، ۴۲۶، ۴۲۷، ۴۲۸، ۴۲۹، ۴۳۰، ۴۳۱، ۴۳۲، ۴۳۳، ۴۳۴، ۴۳۵، ۴۳۶، ۴۳۷، ۴۳۸، ۴۳۹، ۴۴۰، ۴۴۱، ۴۴۲، ۴۴۳، ۴۴۴، ۴۴۵، ۴۴۶، ۴۴۷، ۴۴۸، ۴۴۹، ۴۵۰، ۴۵۱، ۴۵۲، ۴۵۳، ۴۵۴، ۴۵۵، ۴۵۶، ۴۵۷، ۴۵۸، ۴۵۹، ۴۶۰، ۴۶۱، ۴۶۲، ۴۶۳، ۴۶۴، ۴۶۵، ۴۶۶، ۴۶۷، ۴۶۸، ۴۶۹، ۴۷۰، ۴۷۱، ۴۷۲، ۴۷۳، ۴۷۴، ۴۷۵، ۴۷۶، ۴۷۷، ۴۷۸، ۴۷۹، ۴۸۰، ۴۸۱، ۴۸۲، ۴۸۳، ۴۸۴، ۴۸۵، ۴۸۶، ۴۸۷، ۴۸۸، ۴۸۹، ۴۹۰، ۴۹۱، ۴۹۲، ۴۹۳، ۴۹۴، ۴۹۵، ۴۹۶، ۴۹۷، ۴۹۸، ۴۹۹، ۵۰۰، ۵۰۱، ۵۰۲، ۵۰۳، ۵۰۴، ۵۰۵، ۵۰۶، ۵۰۷، ۵۰۸، ۵۰۹، ۵۱۰، ۵۱۱، ۵۱۲، ۵۱۳، ۵۱۴، ۵۱۵، ۵۱۶، ۵۱۷، ۵۱۸، ۵۱۹، ۵۲۰، ۵۲۱، ۵۲۲، ۵۲۳، ۵۲۴، ۵۲۵، ۵۲۶، ۵۲۷، ۵۲۸، ۵۲۹، ۵۳۰، ۵۳۱، ۵۳۲، ۵۳۳، ۵۳۴، ۵۳۵، ۵۳۶، ۵۳۷، ۵۳۸، ۵۳۹، ۵۴۰، ۵۴۱، ۵۴۲، ۵۴۳، ۵۴۴، ۵۴۵، ۵۴۶، ۵۴۷، ۵۴۸، ۵۴۹، ۵۵۰، ۵۵۱، ۵۵۲، ۵۵۳، ۵۵۴، ۵۵۵، ۵۵۶، ۵۵۷، ۵۵۸، ۵۵۹، ۵۶۰، ۵۶۱، ۵۶۲، ۵۶۳، ۵۶۴، ۵۶۵، ۵۶۶، ۵۶۷، ۵۶۸، ۵۶۹، ۵۷۰، ۵۷۱، ۵۷۲، ۵۷۳، ۵۷۴، ۵۷۵، ۵۷۶، ۵۷۷، ۵۷۸، ۵۷۹، ۵۸۰، ۵۸۱، ۵۸۲، ۵۸۳، ۵۸۴، ۵۸۵، ۵۸۶، ۵۸۷، ۵۸۸، ۵۸۹، ۵۹۰، ۵۹۱، ۵۹۲، ۵۹۳، ۵۹۴، ۵۹۵، ۵۹۶، ۵۹۷، ۵۹۸، ۵۹۹، ۶۰۰، ۶۰۱، ۶۰۲، ۶۰۳، ۶۰۴، ۶۰۵، ۶۰۶، ۶۰۷، ۶۰۸، ۶۰۹، ۶۱۰، ۶۱۱، ۶۱۲، ۶۱۳، ۶۱۴، ۶۱۵، ۶۱۶، ۶۱۷، ۶۱۸، ۶۱۹، ۶۲۰، ۶۲۱، ۶۲۲، ۶۲۳، ۶۲۴، ۶۲۵، ۶۲۶، ۶۲۷، ۶۲۸، ۶۲۹، ۶۳۰، ۶۳۱، ۶۳۲، ۶۳۳، ۶۳۴، ۶۳۵، ۶۳۶، ۶۳۷، ۶۳۸، ۶۳۹، ۶۴۰، ۶۴۱، ۶۴۲، ۶۴۳، ۶۴۴، ۶۴۵، ۶۴۶، ۶۴۷، ۶۴۸، ۶۴۹، ۶۵۰، ۶۵۱، ۶۵۲، ۶۵۳، ۶۵۴، ۶۵۵، ۶۵۶، ۶۵۷، ۶۵۸، ۶۵۹، ۶۶۰، ۶۶۱، ۶۶۲، ۶۶۳، ۶۶۴، ۶۶۵، ۶۶۶، ۶۶۷، ۶۶۸، ۶۶۹، ۶۷۰، ۶۷۱، ۶۷۲، ۶۷۳، ۶۷۴، ۶۷۵، ۶۷۶، ۶۷۷، ۶۷۸، ۶۷۹، ۶۸۰، ۶۸۱، ۶۸۲، ۶۸۳، ۶۸۴، ۶۸۵، ۶۸۶، ۶۸۷، ۶۸۸، ۶۸۹، ۶۹۰، ۶۹۱، ۶۹۲، ۶۹۳، ۶۹۴، ۶۹۵، ۶۹۶، ۶۹۷، ۶۹۸، ۶۹۹، ۷۰۰، ۷۰۱، ۷۰۲، ۷۰۳، ۷۰۴، ۷۰۵، ۷۰۶، ۷۰۷، ۷۰۸، ۷۰۹، ۷۱۰، ۷۱۱، ۷۱۲، ۷۱۳، ۷۱۴، ۷۱۵، ۷۱۶، ۷۱۷، ۷۱۸، ۷۱۹، ۷۲۰، ۷۲۱، ۷۲۲، ۷۲۳، ۷۲۴، ۷۲۵، ۷۲۶، ۷۲۷، ۷۲۸، ۷۲۹، ۷۳۰، ۷۳۱، ۷۳۲، ۷۳۳، ۷۳۴، ۷۳۵، ۷۳۶، ۷۳۷، ۷۳۸، ۷۳۹، ۷۴۰، ۷۴۱، ۷۴۲، ۷۴۳، ۷۴۴، ۷۴۵، ۷۴۶، ۷۴۷، ۷۴۸، ۷۴۹، ۷۵۰، ۷۵۱، ۷۵۲، ۷۵۳، ۷۵۴، ۷۵۵، ۷۵۶، ۷۵۷، ۷۵۸، ۷۵۹، ۷۶۰، ۷۶۱، ۷۶۲، ۷۶۳، ۷۶۴، ۷۶۵، ۷۶۶، ۷۶۷، ۷۶۸، ۷۶۹، ۷۷۰، ۷۷۱، ۷۷۲، ۷۷۳، ۷۷۴، ۷۷۵، ۷۷۶، ۷۷۷، ۷۷۸، ۷۷۹، ۷۸۰، ۷۸۱، ۷۸۲، ۷۸۳، ۷۸۴، ۷۸۵، ۷۸۶، ۷۸۷، ۷۸۸، ۷۸۹، ۷۹۰، ۷۹۱، ۷۹۲، ۷۹۳، ۷۹۴، ۷۹۵، ۷۹۶، ۷۹۷، ۷۹۸، ۷۹۹، ۸۰۰، ۸۰۱، ۸۰۲، ۸۰۳، ۸۰۴، ۸۰۵، ۸۰۶، ۸۰۷، ۸۰۸، ۸۰۹، ۸۱۰، ۸۱۱، ۸۱۲، ۸۱۳، ۸۱۴، ۸۱۵، ۸۱۶، ۸۱۷، ۸۱۸، ۸۱۹، ۸۲۰، ۸۲۱، ۸۲۲، ۸۲۳، ۸۲۴، ۸۲۵، ۸۲۶، ۸۲۷، ۸۲۸، ۸۲۹، ۸۳۰، ۸۳۱، ۸۳۲، ۸۳۳، ۸۳۴، ۸۳۵، ۸۳۶، ۸۳۷، ۸۳۸، ۸۳۹، ۸۴۰، ۸۴۱، ۸۴۲، ۸۴۳، ۸۴۴، ۸۴۵، ۸۴۶، ۸۴۷، ۸۴۸، ۸۴۹، ۸۵۰، ۸۵۱، ۸۵۲، ۸۵۳، ۸۵۴، ۸۵۵، ۸۵۶، ۸۵۷، ۸۵۸، ۸۵۹، ۸۶۰، ۸۶۱، ۸۶۲، ۸۶۳، ۸۶۴، ۸۶۵، ۸۶۶، ۸۶۷، ۸۶۸، ۸۶۹، ۸۷۰، ۸۷۱، ۸۷۲، ۸۷۳، ۸۷۴، ۸۷۵، ۸۷۶، ۸۷۷، ۸۷۸، ۸۷۹، ۸۸۰، ۸۸۱، ۸۸۲، ۸۸۳، ۸۸۴، ۸۸۵، ۸۸۶، ۸۸۷، ۸۸۸، ۸۸۹، ۸۹۰، ۸۹۱، ۸۹۲، ۸۹۳، ۸۹۴، ۸۹۵، ۸۹۶، ۸۹۷، ۸۹۸، ۸۹۹، ۹۰۰، ۹۰۱، ۹۰۲، ۹۰۳، ۹۰۴، ۹۰۵، ۹۰۶، ۹۰۷، ۹۰۸، ۹۰۹، ۹۱۰، ۹۱۱، ۹۱۲، ۹۱۳، ۹۱۴، ۹۱۵، ۹۱۶، ۹۱۷، ۹۱۸، ۹۱۹، ۹۲۰، ۹۲۱، ۹۲۲، ۹۲۳، ۹۲۴، ۹۲۵، ۹۲۶، ۹۲۷، ۹۲۸، ۹۲۹، ۹۳۰، ۹۳۱، ۹۳۲، ۹۳۳، ۹۳۴، ۹۳۵، ۹۳۶، ۹۳۷، ۹۳۸، ۹۳۹، ۹۴۰، ۹۴۱، ۹۴۲، ۹۴۳، ۹۴۴، ۹۴۵، ۹۴۶، ۹۴۷، ۹۴۸، ۹۴۹، ۹۵۰، ۹۵۱، ۹۵۲، ۹۵۳، ۹۵۴، ۹۵۵، ۹۵۶، ۹۵۷، ۹۵۸، ۹۵۹، ۹۶۰، ۹۶۱، ۹۶۲، ۹۶۳، ۹۶۴، ۹۶۵، ۹۶۶، ۹۶۷، ۹۶۸، ۹۶۹، ۹۷۰، ۹۷۱، ۹۷۲، ۹۷۳، ۹۷۴، ۹۷۵، ۹۷۶، ۹۷۷، ۹۷۸، ۹۷۹، ۹۸۰، ۹۸۱، ۹۸۲، ۹۸۳، ۹۸۴، ۹۸۵، ۹۸۶، ۹۸۷، ۹۸۸، ۹۸۹، ۹۹۰، ۹۹۱، ۹۹۲، ۹۹۳، ۹۹۴، ۹۹۵، ۹۹۶، ۹۹۷، ۹۹۸، ۹۹۹، ۱۰۰۰، ۱۰۰۱، ۱۰۰۲، ۱۰۰۳، ۱۰۰۴، ۱۰۰۵، ۱۰۰۶، ۱۰۰۷، ۱۰۰۸، ۱۰۰۹، ۱۰۱۰، ۱۰۱۱، ۱۰۱۲، ۱۰۱۳، ۱۰۱۴، ۱۰۱۵، ۱۰۱۶، ۱۰۱۷، ۱۰۱۸، ۱۰۱۹، ۱۰۲۰، ۱۰۲۱، ۱۰۲۲، ۱۰۲۳، ۱۰۲۴، ۱۰۲۵، ۱۰۲۶، ۱۰۲۷، ۱۰۲۸، ۱۰۲۹، ۱۰۳۰، ۱۰۳۱، ۱۰۳۲، ۱۰۳۳، ۱۰۳۴، ۱۰۳۵، ۱۰۳۶، ۱۰۳۷، ۱۰۳۸، ۱۰۳۹، ۱۰۴۰، ۱۰۴۱، ۱۰۴۲، ۱۰۴۳، ۱۰۴۴، ۱۰۴۵، ۱۰۴۶، ۱۰۴۷، ۱۰۴۸، ۱۰۴۹، ۱۰۵۰، ۱۰۵۱، ۱۰۵۲، ۱۰۵۳، ۱۰۵۴، ۱۰۵۵، ۱۰۵۶، ۱۰۵۷، ۱۰۵۸، ۱۰۵۹، ۱۰۶۰، ۱۰۶۱، ۱۰۶۲، ۱۰۶۳، ۱۰۶۴، ۱۰۶۵، ۱۰۶۶، ۱۰۶۷، ۱۰۶۸، ۱۰۶۹، ۱۰۷۰، ۱۰۷۱، ۱۰۷۲، ۱۰۷۳، ۱۰۷۴، ۱۰۷۵، ۱۰۷۶، ۱۰۷۷، ۱۰۷۸، ۱۰۷۹، ۱۰۸۰، ۱۰۸۱، ۱۰۸۲، ۱۰۸۳، ۱۰۸۴، ۱۰۸۵، ۱۰۸۶، ۱۰۸۷، ۱۰۸۸، ۱۰۸۹، ۱۰۹۰، ۱۰۹۱، ۱۰۹۲، ۱۰۹۳، ۱۰۹۴، ۱۰۹۵، ۱۰۹۶، ۱۰۹۷، ۱۰۹۸، ۱۰۹۹، ۱۱۰۰، ۱۱۰۱، ۱۱۰۲، ۱۱۰۳، ۱۱۰۴، ۱۱۰۵، ۱۱۰۶، ۱۱۰۷، ۱۱۰۸، ۱۱۰۹، ۱۱۱۰، ۱۱۱۱، ۱۱۱۲، ۱۱۱۳، ۱۱۱۴، ۱۱۱۵، ۱۱۱۶، ۱۱۱۷، ۱۱۱۸، ۱۱۱۹، ۱۱۲۰، ۱۱۲۱، ۱۱۲۲، ۱۱۲۳، ۱۱۲۴، ۱۱۲۵، ۱۱۲۶، ۱۱۲۷، ۱۱۲۸، ۱۱۲۹، ۱۱۳۰، ۱۱۳۱، ۱۱۳۲، ۱۱۳۳، ۱۱۳۴، ۱۱۳۵، ۱۱۳۶، ۱۱۳۷، ۱۱۳۸، ۱۱۳۹، ۱۱۴۰، ۱۱۴۱، ۱۱۴۲، ۱۱۴۳، ۱۱۴۴، ۱۱۴۵، ۱۱۴۶، ۱۱۴۷، ۱۱۴۸، ۱۱۴۹، ۱۱۵۰، ۱۱۵۱، ۱۱۵۲، ۱۱۵۳، ۱۱۵۴، ۱۱۵۵، ۱۱۵۶، ۱۱۵۷، ۱۱۵۸، ۱۱۵۹، ۱۱۶۰، ۱۱۶۱، ۱۱۶۲، ۱۱۶۳، ۱۱۶۴، ۱۱۶۵، ۱۱۶۶، ۱۱۶۷، ۱۱۶۸، ۱۱۶۹، ۱۱۷۰، ۱۱۷۱، ۱۱۷۲، ۱۱۷۳، ۱۱۷۴، ۱۱۷۵، ۱۱۷۶، ۱۱۷۷، ۱۱۷۸، ۱۱۷۹، ۱۱۸۰، ۱۱۸۱، ۱۱۸۲، ۱۱۸۳، ۱۱۸۴، ۱۱۸۵، ۱۱۸۶، ۱۱۸۷، ۱۱۸۸، ۱۱۸۹، ۱۱۹۰، ۱۱۹۱، ۱۱۹۲، ۱۱۹۳، ۱۱۹۴، ۱۱۹۵، ۱۱۹۶، ۱۱۹۷، ۱۱۹۸، ۱۱۹۹، ۱۲۰۰، ۱۲۰۱، ۱۲۰۲، ۱۲۰۳، ۱۲۰۴، ۱۲۰۵، ۱۲۰۶، ۱۲۰۷، ۱۲۰۸، ۱۲۰۹، ۱۲۱۰، ۱۲۱۱، ۱۲۱۲، ۱۲۱۳، ۱۲۱۴، ۱۲۱۵، ۱۲۱۶، ۱۲۱۷، ۱۲۱۸، ۱۲۱۹، ۱۲۲۰، ۱۲۲۱، ۱۲۲۲، ۱۲۲۳، ۱۲۲۴، ۱۲۲۵، ۱۲۲۶، ۱۲۲۷، ۱۲۲۸، ۱۲۲۹، ۱۲۳۰، ۱۲۳۱، ۱۲۳۲، ۱۲۳۳، ۱۲۳۴، ۱۲۳۵، ۱۲۳۶، ۱۲۳۷، ۱۲۳۸، ۱۲۳۹، ۱۲۴۰، ۱۲۴۱، ۱۲۴۲، ۱۲۴۳، ۱۲۴۴، ۱۲۴۵، ۱۲۴۶، ۱۲۴۷، ۱۲۴۸، ۱۲۴۹، ۱۲۵۰، ۱۲۵۱، ۱۲۵۲، ۱۲۵۳، ۱۲۵۴، ۱۲۵۵، ۱۲۵۶، ۱۲۵۷، ۱۲۵۸، ۱۲۵۹، ۱۲۶۰، ۱۲۶۱، ۱۲۶۲، ۱۲۶۳، ۱۲۶۴، ۱۲۶۵، ۱۲۶۶، ۱۲۶۷، ۱۲۶۸، ۱۲۶۹، ۱۲۷۰، ۱۲۷۱، ۱۲۷۲، ۱۲۷۳، ۱۲۷۴، ۱۲۷۵، ۱۲۷۶، ۱۲۷۷، ۱۲۷۸، ۱۲۷۹، ۱۲۸۰، ۱۲۸۱، ۱۲۸۲، ۱۲۸۳، ۱۲۸۴، ۱۲۸۵، ۱۲۸۶، ۱۲۸۷، ۱۲۸۸، ۱۲۸۹، ۱۲۹۰، ۱۲۹۱، ۱۲۹۲، ۱۲۹۳، ۱۲۹۴، ۱۲۹۵، ۱۲۹۶، ۱۲۹۷، ۱۲۹۸، ۱۲۹۹، ۱۳۰۰، ۱۳۰۱، ۱۳۰۲، ۱۳۰۳، ۱۳۰۴، ۱۳۰۵، ۱۳۰۶، ۱۳۰۷، ۱۳۰۸، ۱۳۰۹، ۱۳۱۰، ۱۳۱۱، ۱۳۱۲، ۱۳۱۳، ۱۳۱۴، ۱۳۱۵، ۱۳۱۶، ۱۳۱۷، ۱۳۱۸، ۱۳۱۹، ۱۳۲۰، ۱۳۲۱، ۱







صحنه‌های خائن و غارتگر و نااهلیت از امور دولت کوتاه نمود و من از آقای نخست وزیر سؤال میکنم آیا عدم اجرای تصدیقات هیئت تصفیه سبب نخواهد شد که گوس و سوائی مارا نتوانند این کشور بلکه در بازارهای دنیا بزنند و کار اقتصادی ما بجائی منجر شود که هیچ دولتی نتواند با ما کمترین مساعدتی بنماید؟

جهات مروضه سبب شد که نمایندگان جبهه ملی تصمیم بگیرند تا زمانیکه این دولت تصدیقات هیئت تصفیه را اجرا نکند با آن قویاً مخالف و کار بهر کجا که رسد هراسی نکنند و تا آخر درجه امکان مبارزه و مقاومت نمایند و چنانچه از طرف نمایندگان پاک و خیر خواه مجلس تقویت نشوند از مجلس کناره گیری کنند و مسئولیت انحلال این مجلس را به تکامل مقتضی خواهد شد بگردن آن نمایندگان بگذارند که در تشخیص موقع و صلاح مملکت یا عاجزند و یا بواسطه سوء استفاده از این دستگاه گوش خود را بحرف حساب مقروض نمی دانند و چشمهای خود را بروی مملکت و هموطنان بسته و جز نفع شخصی چیزی در نظر ندارند.

آقایان محترم در خانه بیک کله فغان میکنم و آن این است که نتیجه عدم اجرای تصدیقات هیئت تصفیه انقلاب است.

رئیس - آقای جمال امامی ماده ۹۰ بیان برای بعد این ناطق آخریست بیان نشان و بر فرمایند آقای اردلان بر فرمایند **اردلان** - بنده از حضور جناب آقای نخست وزیر استفاده میکنم و در چند کلمه راجع به حوزه انتخابیه خودم کردستان مطالبی را عرض آقایان نمایندگان محترم میرسانم و از آقایان همکاران محترم و جناب آقای نخست وزیر تمنی می کنم که برایش بنده توجه کنند و قبحکله اهل حضرت همایونی تشریف فرمای کردستان شدند بنده در مجلس بودم یعنی مجلس شورای ملی هنوز تعطیل نشده بود و بنده انتظار شرفیابی حاصل نکردم این بود که از این جا تلگرافی حضورشان عرض کردم و استدعا کردم که حال که در کردستان تشریف داوند توجهی به این خطه زرخیز ایران فرمایند و نواقصی که در این حوزه هست دستور رفع آن را فرمایند تلگرافی از دفتر اهل حضرت همایونی از کرمانشاه به بنده رسید و تهریح فرمودند که در این خصوص دستور موکد داده شده است وقتی که مجلس تعطیل شد بنده به کردستان رفتم و چشم خود دیدم که اهل حضرت همایونی دستورات کافی صادر فرموده اند و باید از این جایگاه از الطاف ملوکانه تشکر کنم مخصوصاً در قسمت بهداری کردستان که وضع خیلی رقت باری داشت تمداد زیادی لطیب و پرستار و دارو که خیلی مورد لزوم بود دستور فرمودند که به کردستان فرستند (عدهای از نمایندگان احسن) اما بنده باید عرض کنم که هر وقت که برای بنده این سعادت دست میدهد که به کردستان بروم وضع مردم آنجا را از دلمه سابق از فقر و فاقه بدتر می بینم و این یک بدبختی است برای مملکت و خدا

شاهد است که این دو کشور در چهار طرف و بدبختی و پریشانی بودند که هیچ وصف ندارد و این صحنه فقر و بدبختی آنها هم در نتیجه سیاست اقتصادی دولتهای وقت است اگر سیاست اقتصادی دولت یک سیاست صحیحی باشد معال است که وضع اقتصادی مردم یک مملکت اینطور رویدی برود و قطعاً اگر رویدی نرود باید بهمان وضع سابقش باقی بماند در صورتیکه روز بروز بدتر میشود بنده اینجا پشت همین تریبون آمدم و هر ایضی راجع بتشریح صادرات کردم یعنی از صادرات مهم کردستان کتیرا و فرش بود که بکلی از بین رفته و بنده هم ما در کبسیون بازرگانی و پیشه و هنر نشستم و دوامه مطالعه کردم و زحمت کشیدیم و طرحی تهیه کردم و با مضمای ۱۸ نفر از نمایندگان مجلس شورای ملی رسانیدم آقای دکتر نصر وزیر دارائی آمدند و مخالفت کردند و گفتند من یک تصویب نامه بهتری صادر میکنم ما گفتیم ببینیم آن تصویب نامه بهتر چی است ولی در نتیجه تصویب نامه ای که ایشان صادر فرمودند و اجرا شد ۳۰ درصد به بهای تمام اجناس اضافه شد و آن کردستانی بیچاره ای که میرفت یک دست لباس بتواند تهیه کند و ستر عورت بکند از آن هم محروم شدند جناب آقای رزم آرا آن روز هم عرض کردم که جناب عالی این شورای عالی اقتصادی را که قانون اجازه تشکیل آن را داده در دوره ۱۴ بنده خودم پیشنهاد کردم این را توجه فرمایند مسائل اقتصادی را بشکر یک نفر نگذارید روی یک کشور و یک تجربه ای ما در کبسیون اقتصادی مجلس شورای ملی دوامه نشستم زحمت کشیدیم تا آن پیشنهاد را تهیه کردم یک هفته یک تصویب نامه ای در ظرف چند ساعت صادر میشود و وضع مملکت را بهم میزند آقایان محترم گرانی هزینه زندگی هر قدر بسرعت بالا میرود پائین آوردن آن معال است بنابر این جناب آقای رزم آرا همانطوری که می بینید پائین آوردن نرخ اجناس کار مشکلی است نباید سیاستی اتخاذ کرد که باین اهکال بر نخورد اما اجازه ای که بنده خواسته بودم امروز برای یک مطلب بسیار مهمتری بود که نه تنها شامل حال کردستان حوزه انتخابیه من میشود بلکه تمام قسمت اعظم ایران را شامل میشود و من از مغربین جرابه تمنی میکنم وقت فرمایند و چون مطلب خیلی دقیق است جز هر ایض بنده چیز دیگری مرقوم نفرمایند هر ایض من راجع سیاست عشایری دولت است این موضوع بنظر بنده بسیار حائز اهمیت است و این یک سیاست عشایری سیاستی نیست که آنرا دولت جناب آقای رزم آرا که دوامه است بر سر کار آمده اتخاذ کرده باشد بنده از یکسال ونیم و دو سال با نظر است که می بینم این سیاست و وضع ترقی است و بنده با این سیاست مخالفم و جهات مخالفتم را عرض میکنم و از جناب آقای نخست وزیر تمنی دارم که توجه فرمایند و در مقدمه عرض خودم این مطلب را صریحاً عرض میکنم که در بین ایلات و عشایر ایران مردم بسیار شرافتمندی وجود دارد که بسیار ایران دوست هستند و علاقه کاملی هم بایران داوند (عده ای از نمایندگان - صحیح است) ولی علاوه میکنم

مثل همان پاره دوزخی که شب تا صبح میبویخت بعد صبح به وضع اولش بر میگشت ۲۰ سال پیش رضا شاه پهلوی اینها را آورد و داشت در مدرسه عشایری تربیت میداد و البته خدا شاهد است که راضی بودند یکمده زیادی از آنها از نسیه امنیت و آسایش بر خود دار بودند آمدند به اینجا تفنگ دادند حالا می خواهند تفنگشان را بگیرند بقاومت بر میخورند چرا باید تفنگ بدهید که حالا بخواهید بگیرید این به صلاح نیست من چون میدانم جناب آقای نخست وزیر علاقه باین مملکت داوند عرض می کنم سکه من جین در همین نزدیکی از کردستان می آیم مردم آنجا پیش من ناله کردند این است که من ناله آنها را منعکس میکنم بتدریح باید تفنگ های آنها را بگیرید اگر داد گشتری ما قوی بودم یک کلمه از این هر ایض را عرض نمی کردم حالا اگر یکی از آنها از دیگری شکایت دارد باید برود نزد ماورین انتظامات یک داد گشتری حقیقی در سراسر کردستان که تقریباً ۲۰ فرسخ دره ۲ فرسخ مربع است بود این چیزها پیش نماینده فقط یک کلام دوستانه دارم یکی دوستانه دارم این وسطها نام ماورین انتظامات هستند ماورین لشکری کردستان بسیار خوب انجام وظیفه میکنند مرکز باید قریب سیاست خودش را راست بگذارد و بین یک عشیره ای را با یک نفر ایرانی هیچ فرقی نگذارد و اگر یک اختلافی هست یک داد گاه عمومی ارجاع بشود و در داد گاه عمومی تقبیل بشود نه اینکه توسط ماورین قشون این برای این که آن عشیره است تا میگوئی میگویند منطقه است عشیره است آقا عشیره و منطقه چه معنی دارد چرا ما باید کابیتولاسیون داخلی بوجود بیاریم این معایب از مرکز است که باید اصلاح بشود و عدهای از اهالی آنجا هم از رئیس زاندار میری شکایت کرده اند آقای نخست وزیر رئیس زاندار میری آمده در حضور ۱۵ نفر از متنفذین محل گفته آقا ما مجبوریم از مردم معصل یول بگیریم روزنامه های آنجا هم نوشتند و منهم مشاهدات خود بره اداره زاندار میری نوشتن که رسیدگی بشود ماورین زاندار میری می آید میگوید که ما باید پول بگیریم ما دیگر از مردم چه توقعی داریم اینستکه استدعا دارم برایش بنده توجه فرمایند دیگر عرضی ندارم **عدهای از نمایندگان** - آفرین احسن

رئیس - آقای جمال امامی بفرمایند **جمال امامی** - در کتب جنائی درج شده است میگویند قاضی و مجرم اگر اشتباه نکنند گیر نمی افتد حالا ما خوب خبک را ول کردیم خبک ما را ول نمیکند آقای نمایان موضوعی را که ما به آن کاری نداریم آمدند انگشت میکنند شما میفهمید بنده هم میفهمم (مکی - مگر از کفش تپیس صحبت کردند) چند جلسه پیش بنده قضیه نفت را مطرح کردم و ایرادات را به آقایان عرض کردم و پیشنهاد نمودم در دو جلسه که اگر شاهم مثل ما معتقدیم که این لایحه بکه در زمان دولت آقای ساسانه شده تأمین منافع ما را نمیکند بیاید لایحه ای بدهیم بود دولت را مکلف بکنیم این لایحه را پس بگیرد (مکی - ما گفتیم و شما نکریدید) شما چه گفتید؟ (مکی - آقای رئیس من بوجه همان

شاهد است که این دو کشور در چهار طرف و بدبختی و پریشانی بودند که هیچ وصف ندارد و این صحنه فقر و بدبختی آنها هم در نتیجه سیاست اقتصادی دولتهای وقت است اگر سیاست اقتصادی دولت یک سیاست صحیحی باشد معال است که وضع اقتصادی مردم یک مملکت اینطور رویدی برود و قطعاً اگر رویدی نرود باید بهمان وضع سابقش باقی بماند در صورتیکه روز بروز بدتر میشود بنده اینجا پشت همین تریبون آمدم و هر ایضی راجع بتشریح صادرات کردم یعنی از صادرات مهم کردستان کتیرا و فرش بود که بکلی از بین رفته و بنده هم ما در کبسیون بازرگانی و پیشه و هنر نشستم و دوامه مطالعه کردم و زحمت کشیدیم و طرحی تهیه کردم و با مضمای ۱۸ نفر از نمایندگان مجلس شورای ملی رسانیدم آقای دکتر نصر وزیر دارائی آمدند و مخالفت کردند و گفتند من یک تصویب نامه بهتری صادر میکنم ما گفتیم ببینیم آن تصویب نامه بهتر چی است ولی در نتیجه تصویب نامه ای که ایشان صادر فرمودند و اجرا شد ۳۰ درصد به بهای تمام اجناس اضافه شد و آن کردستانی بیچاره ای که میرفت یک دست لباس بتواند تهیه کند و ستر عورت بکند از آن هم محروم شدند جناب آقای رزم آرا آن روز هم عرض کردم که جناب عالی این شورای عالی اقتصادی را که قانون اجازه تشکیل آن را داده در دوره ۱۴ بنده خودم پیشنهاد کردم این را توجه فرمایند مسائل اقتصادی را بشکر یک نفر نگذارید روی یک کشور و یک تجربه ای ما در کبسیون اقتصادی مجلس شورای ملی دوامه نشستم زحمت کشیدیم تا آن پیشنهاد را تهیه کردم یک هفته یک تصویب نامه ای در ظرف چند ساعت صادر میشود و وضع مملکت را بهم میزند آقایان محترم گرانی هزینه زندگی هر قدر بسرعت بالا میرود پائین آوردن آن معال است بنابر این جناب آقای رزم آرا همانطوری که می بینید پائین آوردن نرخ اجناس کار مشکلی است نباید سیاستی اتخاذ کرد که باین اهکال بر نخورد اما اجازه ای که بنده خواسته بودم امروز برای یک مطلب بسیار مهمتری بود که نه تنها شامل حال کردستان حوزه انتخابیه من میشود بلکه تمام قسمت اعظم ایران را شامل میشود و من از مغربین جرابه تمنی میکنم وقت فرمایند و چون مطلب خیلی دقیق است جز هر ایض بنده چیز دیگری مرقوم نفرمایند هر ایض من راجع سیاست عشایری دولت است این موضوع بنظر بنده بسیار حائز اهمیت است و این یک سیاست عشایری سیاستی نیست که آنرا دولت جناب آقای رزم آرا که دوامه است بر سر کار آمده اتخاذ کرده باشد بنده از یکسال ونیم و دو سال با نظر است که می بینم این سیاست و وضع ترقی است و بنده با این سیاست مخالفم و جهات مخالفتم را عرض میکنم و از جناب آقای نخست وزیر تمنی دارم که توجه فرمایند و در مقدمه عرض خودم این مطلب را صریحاً عرض میکنم که در بین ایلات و عشایر ایران مردم بسیار شرافتمندی وجود دارد که بسیار ایران دوست هستند و علاقه کاملی هم بایران داوند (عده ای از نمایندگان - صحیح است) ولی علاوه میکنم

مثل همان پاره دوزخی که شب تا صبح میبویخت بعد صبح به وضع اولش بر میگشت ۲۰ سال پیش رضا شاه پهلوی اینها را آورد و داشت در مدرسه عشایری تربیت میداد و البته خدا شاهد است که راضی بودند یکمده زیادی از آنها از نسیه امنیت و آسایش بر خود دار بودند آمدند به اینجا تفنگ دادند حالا می خواهند تفنگشان را بگیرند بقاومت بر میخورند چرا باید تفنگ بدهید که حالا بخواهید بگیرید این به صلاح نیست من چون میدانم جناب آقای نخست وزیر علاقه باین مملکت داوند عرض می کنم سکه من جین در همین نزدیکی از کردستان می آیم مردم آنجا پیش من ناله کردند این است که من ناله آنها را منعکس میکنم بتدریح باید تفنگ های آنها را بگیرید اگر داد گشتری ما قوی بودم یک کلمه از این هر ایض را عرض نمی کردم حالا اگر یکی از آنها از دیگری شکایت دارد باید برود نزد ماورین انتظامات یک داد گشتری حقیقی در سراسر کردستان که تقریباً ۲۰ فرسخ دره ۲ فرسخ مربع است بود این چیزها پیش نماینده فقط یک کلام دوستانه دارم یکی دوستانه دارم این وسطها نام ماورین انتظامات هستند ماورین لشکری کردستان بسیار خوب انجام وظیفه میکنند مرکز باید قریب سیاست خودش را راست بگذارد و بین یک عشیره ای را با یک نفر ایرانی هیچ فرقی نگذارد و اگر یک اختلافی هست یک داد گاه عمومی ارجاع بشود و در داد گاه عمومی تقبیل بشود نه اینکه توسط ماورین قشون این برای این که آن عشیره است تا میگوئی میگویند منطقه است عشیره است آقا عشیره و منطقه چه معنی دارد چرا ما باید کابیتولاسیون داخلی بوجود بیاریم این معایب از مرکز است که باید اصلاح بشود و عدهای از اهالی آنجا هم از رئیس زاندار میری شکایت کرده اند آقای نخست وزیر رئیس زاندار میری آمده در حضور ۱۵ نفر از متنفذین محل گفته آقا ما مجبوریم از مردم معصل یول بگیریم روزنامه های آنجا هم نوشتند و منهم مشاهدات خود بره اداره زاندار میری نوشتن که رسیدگی بشود ماورین زاندار میری می آید میگوید که ما باید پول بگیریم ما دیگر از مردم چه توقعی داریم اینستکه استدعا دارم برایش بنده توجه فرمایند دیگر عرضی ندارم **عدهای از نمایندگان** - آفرین احسن

رئیس - آقای جمال امامی بفرمایند **جمال امامی** - در کتب جنائی درج شده است میگویند قاضی و مجرم اگر اشتباه نکنند گیر نمی افتد حالا ما خوب خبک را ول کردیم خبک ما را ول نمیکند آقای نمایان موضوعی را که ما به آن کاری نداریم آمدند انگشت میکنند شما میفهمید بنده هم میفهمم (مکی - مگر از کفش تپیس صحبت کردند) چند جلسه پیش بنده قضیه نفت را مطرح کردم و ایرادات را به آقایان عرض کردم و پیشنهاد نمودم در دو جلسه که اگر شاهم مثل ما معتقدیم که این لایحه بکه در زمان دولت آقای ساسانه شده تأمین منافع ما را نمیکند بیاید لایحه ای بدهیم بود دولت را مکلف بکنیم این لایحه را پس بگیرد (مکی - ما گفتیم و شما نکریدید) شما چه گفتید؟ (مکی - آقای رئیس من بوجه همان

مادهای که ایشان صحبت میکنند اغراض را اینها صورت جلسه هست شما را بخدا گوش کنید ببینید وضیعت مملکت ما به کجا رسیده و کورسلفه بازی به کجا کشیده با این سلفه بازیها مملکت اداره میشود؟ یک روزی آقای مکی آمد در جواب من گفت آقایان منتظریم در مجلس شورای ملی اکثریت پیدا بکنیم تا طرحی در مقابل طرح دولت بدهیم ملاحظه بفرمایید خدا آرزو را ناپاورد تا با آقایان پیشوای ملی تشریف آوردند اینجا گفتند ما از ملت ایران رفراندم کردیم آمدیم اینجا برای دفاع از طرح نفت خوب آثار فرامدم فرمودید آقا تا قانون مطبوعات و قانون اساسی ما را بهم بزنید شما را بخدا انصاف بدهید این معنی دارد و شما هم نشستهاید و میبینید (نریمان) - آقا اعتراض بدولت بکنید (مکی) - کردم و میکنم و حالا در کبسیون چه شده آنرا کاری نداریم گوش کنید به بنده بده حریم را زدم اعتراض بدولت کردم و گفتم بنده گفتم و استقامت کردم آقایان چه کردند در جلسه سوم مرداد مطابق صورت جلسه که هست بنده حضور داشتم هر ایضی را جناب آقای نخست وزیر خواستم عرض کنم آقایان های هوی کردند و جناب آقای رئیس جلسه را ختم کردند این هر ایض بنده است در سؤقیکه یک دوازدهم و دو دوازدهم مطرح بوده یادتان هست آقای فرامرزی توجه بفرمایند اسم جناب عالی هم اینجا هست آقای نریمان جناب عالی هم اگر بامن هم عقیده استند میکنم توجه بفرمایند (در اینصورت ناطق از صورت جلسه مجلس سوم مرداد شرح زیر را قرائت نمود) عرض کنم بنده تقاضا کردم که طرح این لایحه از دستور خارج شود و مجلس تعطیل نشود بدلیل اینکه ما کارهای فوری داریم و وضیعت آشفته هم اجازه نمیدهد که ما تعطیل بکنیم از این گذشته لایحه یک دوازدهم و دو دوازدهم در ما را دوا نمیکند آقا چرا توجه بوضع اوضاع نمیشود یک موضوعاتی ما داریم که از بودجه مملکت خیلی مهمتر است بودجه مملکت را ما میدانیم که هر سال می آید بشکل یک چهار دیواری و بعد تصویب می شود و می رود اینجا اهمیت ندارد آن چیزی که مهم است این موضوع نفت است آمده اند و آنرا کافی السابق بحساب آورده اند این دلیل بر آن است که دولت امیدی ندارد که در سال جاری هم یک مبلغ اضافی از شرکت نفت بگیرد و این هیا هو و جنجال نفت مرا به یاد آن حکایتی که در آذر بسایجان معروف است می آید از آن حکایت این است آقای فرامرزی خوب شد تشریف آوردید آن حکایت را می شنوید یکمده شهری فرض بفرمایند مشهدی حسین علی از یک نفر دهانی ملازمه نامی طلب داشت مدتها بود که طلبش وصول نمیشد یک روز آن مشهدی حسینی از نزدیک آن ده میگذفت گفت برویم ببینیم آخر این مشهدی رمضان علی برای طلب من چه میگوید رفت منزلش را دید که رونق مشهدی رمضان علی چشمش بشهدی حسینی افتاد گفت سلام چه خوب آمدید خبر خوش دارم گفت چه خبر خوش است گفت در همین روزها طلب تو وصول می شود گفت خوب الحمد لله گشایش در کارش پیدا شده

مادهای که ایشان صحبت میکنند اغراض را اینها صورت جلسه هست شما را بخدا گوش کنید ببینید وضیعت مملکت ما به کجا رسیده و کورسلفه بازی به کجا کشیده با این سلفه بازیها مملکت اداره میشود؟ یک روزی آقای مکی آمد در جواب من گفت آقایان منتظریم در مجلس شورای ملی اکثریت پیدا بکنیم تا طرحی در مقابل طرح دولت بدهیم ملاحظه بفرمایید خدا آرزو را ناپاورد تا با آقایان پیشوای ملی تشریف آوردند اینجا گفتند ما از ملت ایران رفراندم کردیم آمدیم اینجا برای دفاع از طرح نفت خوب آثار فرامدم فرمودید آقا تا قانون مطبوعات و قانون اساسی ما را بهم بزنید شما را بخدا انصاف بدهید این معنی دارد و شما هم نشستهاید و میبینید (نریمان) - آقا اعتراض بدولت بکنید (مکی) - کردم و میکنم و حالا در کبسیون چه شده آنرا کاری نداریم گوش کنید به بنده بده حریم را زدم اعتراض بدولت کردم و گفتم بنده گفتم و استقامت کردم آقایان چه کردند در جلسه سوم مرداد مطابق صورت جلسه که هست بنده حضور داشتم هر ایضی را جناب آقای نخست وزیر خواستم عرض کنم آقایان های هوی کردند و جناب آقای رئیس جلسه را ختم کردند این هر ایض بنده است در سؤقیکه یک دوازدهم و دو دوازدهم مطرح بوده یادتان هست آقای فرامرزی توجه بفرمایند اسم جناب عالی هم اینجا هست آقای نریمان جناب عالی هم اگر بامن هم عقیده استند میکنم توجه بفرمایند (در اینصورت ناطق از صورت جلسه مجلس سوم مرداد شرح زیر را قرائت نمود) عرض کنم بنده تقاضا کردم که طرح این لایحه از دستور خارج شود و مجلس تعطیل نشود بدلیل اینکه ما کارهای فوری داریم و وضیعت آشفته هم اجازه نمیدهد که ما تعطیل بکنیم از این گذشته لایحه یک دوازدهم و دو دوازدهم در ما را دوا نمیکند آقا چرا توجه بوضع اوضاع نمیشود یک موضوعاتی ما داریم که از بودجه مملکت خیلی مهمتر است بودجه مملکت را ما میدانیم که هر سال می آید بشکل یک چهار دیواری و بعد تصویب می شود و می رود اینجا اهمیت ندارد آن چیزی که مهم است این موضوع نفت است آمده اند و آنرا کافی السابق بحساب آورده اند این دلیل بر آن است که دولت امیدی ندارد که در سال جاری هم یک مبلغ اضافی از شرکت نفت بگیرد و این هیا هو و جنجال نفت مرا به یاد آن حکایتی که در آذر بسایجان معروف است می آید از آن حکایت این است آقای فرامرزی خوب شد تشریف آوردید آن حکایت را می شنوید یکمده شهری فرض بفرمایند مشهدی حسین علی از یک نفر دهانی ملازمه نامی طلب داشت مدتها بود که طلبش وصول نمیشد یک روز آن مشهدی حسینی از نزدیک آن ده میگذفت گفت برویم ببینیم آخر این مشهدی رمضان علی برای طلب من چه میگوید رفت منزلش را دید که رونق مشهدی رمضان علی چشمش بشهدی حسینی افتاد گفت سلام چه خوب آمدید خبر خوش دارم گفت چه خبر خوش است گفت در همین روزها طلب تو وصول می شود گفت خوب الحمد لله گشایش در کارش پیدا شده



... گفت پس بطور گف آخر داد چهارم بود  
گفت خوب چهار شود گفت وقتی چهار شد زمین  
سبز میشود خوب سبز بشود گفت گوسفندها را آوردند  
پهرا گفت خوب بیاوردن گفت پشمهای این گوسفندها  
پهراهای صحرا گیر میکنند خوب گیر کنند چینی شود  
گفت این پشمها را من جمع میکنم قالی می‌بافم و در  
مقابل طلب بشا قالی میدهم مشهدی حسینعلی دید  
حسینعلی و وصول کرده است خندید و سرش را تکان  
داد مشهدی رمضانعلی همینکه دید مشهدی حسینعلی  
میخندد گفت معلومست که میخندید چرا نغضی داری  
مثل جواهر قالی میبیری حالا آقایان هم ۱۰ در قبال  
طلبان از شرکت نفت مثل جوا هرقالی میدهند  
مثل ما مثل همان مردی که شده است پنجاه سال است که نفت  
ما را میبرند میخورند مردم بیچاره خیال میکنند که با  
این حرفها طلب مملکت از شرکت نفت وصول می  
شود و وضع پریشان آنها اصلاح خواهد شد ولی  
درست اینکار مثل وصول طلب مشهدی حسینعلی است  
آقای نخست وزیر بنده حامی شما هستم شمشیر کش  
شاهم هستم (اینرا آن روز عرض کردم اما امروز  
معلوم نیست) (بعضی از نمایندگان - امروز هم  
انشاء الله هستند) مجلسی وطنی را هم قبول دارم ولی  
باید بروید به اینها بگوئید که این لایحه‌ای که ما داده  
ایم به مجلس تأمین منافع ما را نیککنندت ایران قبول  
نیکند اینرا بنده گفتم و فراموش هم نکردم (مکی -  
پارسال چرا وقتی وزیر بودید آن لایحه را امضاء  
کردید) امضاء نکردم (مکی - چرا استغنا نکردید  
میخواستید استغنا کنید مگر نیدانید مطابق قانون  
اساسی وزراء مسئولیت مشترک دارند) حالا اگر آن  
لایحه را بیاورند امضاء میکنم چون شما نیکگذارید  
همانرا هم بگیریم که دولت انگلستان مالیاتش بیشتر  
از حق السهم ما باشد (صحیح است) این را دولت  
ایران قبول ندارد باشند بفرمائید آقا کارگری نکند که  
ما بگوئیم خدا با غرقش کن ما هم رویش شا با آنها  
بفرمائید که ما ملت احساساتی هستیم و مثل شاخونسرد  
و حسابگر نیستیم اگر فشار آوردید آنوقت طور دیگر  
میشود اینست که استدعا میکنم اگر مجلس تعطیل شد  
یا نشد شما تشریف ببرید با آنها صحبت بکنید و  
تنها کاری که میکنید اینست ما اینرا میدانیم شما هم  
میدانید قضیه دیگر آقای وزیر در این شایان امریکاییها  
را زبانشان را میفهمید به آنها بگوئید برادر اول این  
شاهنامه را بخوان این قضیه نوشدارو و سهراب را  
برایمان ترجمه کن اگر خود نمیتوانی به برادرت  
(اشاره به آقای دکتر محسن نصر) بگو ترجمه کند -  
**نورالدین امامی** - آقا این دیگر مربوط  
بنت نیست -

**جمال امامی** - بله این دیگر مربوط بان  
نیست عرض کنم آقای نریمان بنده را آنهایی که  
میشناسند بدانند که بنده يك حرفی را یا نبرزم  
اگر زود میدانند رویش اشاره ام - مثل بعضی ها که  
هر روز يك حرفی میزنند فردا دیگری میروند  
نیم - حق یا ناحق آن راهی را که میفرمید گرفته‌ام  
و میروم - عده ای از آقایان از من تقاضا کرده‌اند که  
طبق ماده ۹۰ توهینی که با آنها شده جواب بدهم

**رئیس** - نه غیر شما طبق ماده ۹۰ تشریف  
آوردید و از ماده ۹۰ هم تجاوز فرمودید. آقای مکی  
طبق ماده ۹۰ میفرماید بفرمائید ؟  
**مکی** - بله  
**رئیس** - بفرمائید.  
**مکی** - ضمن بیانات آقای نریمان هیچ  
اسمی از کسی برده نشده بود. بطور کلی وقتی گفته  
میشود مجلس یعنی اکثریت و اقلیت. مجلس اهم  
از اکثریت و اقلیت است. وقتی مجلس اقدام نیکند  
یعنی کلا اقدام نیکند. اجازه بدهید يك شخصی  
حق ندارد که قیم همه مجلس شود و عوض همه صحبت  
کند و کسان دیگری هستند که اینجا احترامشان هم  
زود اکثریت و هم نزد اقلیت بیشتر از حضرتعالی بود  
ایشان میتوانستند بلند شوند و از طرف اکثریت صحبت  
بکنند و لیدرا اکثریت هم شما نیستید اکثریت قیم هم  
لازم ندارد. اما راجع بنظریات فرا کسیون ما نسبت  
بنفت گفتید که چرا نکردند. ما نظریه مان روشن  
است و این طرحی است که در دوره ۱۵ دادیم ۱۰ تا  
امضاء شد و یازدهمی پیدا نشد که امضا کند. اگر  
مردید امضاء بکنید (جمال امامی - نه خیر من  
این را امضاء نمیکنم) (وای، وای، وای وای  
امضاء کنندگان زیر طرح ذیل را تقدیم و تقاضای طرح  
و تصویب آنرا داریم. مجلس شورایی قرار داد  
اهدائی شرکت نفت ایران و انگلیس را برسمیت  
نمی‌شمارد و آنراکان لم یکن میداند.

**جمال امامی** - ابدأ من امضاء نیکند.  
( در این موقع آقایان کشاورز صدر  
و اسلامی طرح را امضاء کردند )

**مکی** - همین است، اجازه بدهید این نظریه  
ماست و ما راجع به هم می‌نویسیم و موش‌صحیح کردن ما هم می‌توانیم  
داریم که چک بکشد و هفتاد هزار تومانی از زیرش  
درمی‌آید. من از آقای نخست‌وزیر می‌خواهم که دستور  
بفرمائید تحقیق کنند تکلیف آن چکها چه شد؟ این  
چکها را بحساب دولت گذاشته‌اند. این دادگستری  
رسیدگی کند این چکها تکلیفش چطور شده است.  
(جمال امامی - بویکل مجلس میشود اعلام جرم کرد؟)  
بله شما خیلی کارها میتوانید بکنید. ولی خواهش  
میکندم ترجم کنید. (خنده نمایندگان) بنده فقط خواستم  
خاطر نمایندگان محترم را توجه داده باشم که بین  
اقلیت و اکثریت در کارهای اصولی مصلحت هیچ  
اختلافی نیست و ما هم هیچوقت نفواستیم ذره‌ئی نسبت  
بشان و مقام و حیثیت نمایندگان محترم اکثریت کمترین  
خنده‌ئی وارد کرده باشیم. مجلس که میگویند اهم از اکثریت  
و اقلیت است. احترام اقلیت و اکثریت هم لازمست  
وقتی که آقای نریمان يك تذکری میدهند که مجلس  
باید اینکار را بکند و نکرده این دلیل بر این است که  
ما بگوئیم مجلس در اینکار تصور کرده بگوئیم شمس  
بخصوصی تصور کرده و يك کسی قیم بشود که نقتین  
بین اقلیت و اکثریت بکند و ملت ایران میدانند که  
کی از روی صفا و صمیمیت قلب صحبت میکنند و کی

بلع دیگران بگویند  
**جمال امامی** - احسنه احسنه  
**مکی** - الکلام بجز الکلام.  
**رئیس** - آقای نخست‌وزیر.  
**نخست‌وزیر** - جناب آقای نریمان و جناب  
آقای دکتر مصدق مطالبی در اینجا فرمودند و آنچه  
به هیئت تصفیه کارمندان دولتی و ستولانی از بنده  
فرمودند که بنده برای استحضار خاطر نمایندگان  
محترم عرض می‌رسانم. در تاریخ ۲-۵-۱۳۲۹  
هیئت تصفیه کارمندان دولت يك گزارش تسلیم دولت  
کرد در این گزارش عده‌ئی از کارمندان را که در حدود  
نصد نفر بودند طبق ماده الف ب ج ذکر کرده  
بودند. پس از اینکه دولت این گزارش را  
دریافت کرد مورد دقت و توجه قرار داد  
باین اصل رسید که اولاً در این گزارش قسمتی  
از عملی که هیئت تصفیه انجام داده مخالف قانونی  
است که از خود مجلس گذشته برای اینکه در ماده  
ج همین قانون نوشته شده تعیین کارمندی که برای  
دولت مفید نبوده و شایستگی برای خدمات دولتی  
ندارند و مشمول قانون بازنشستگی هم نیستند بوضعیت  
آنها رسیدگی شود. دویست نفر از نصد نفر در  
صورتیکه تسلیم دولت شده اشخاصی هستند که  
مشمول قانون بازنشستگی هستند (مکی - وزرای  
کابینه شما) وقتی که این صورت بدولت رسیده دولت  
برای اجرای آن دستوراتی صادر کرد. صدور دستورات  
دولت در تاریخ ۳-۵-۲۹ بود و ۴۰۰ نفر از کارمندان  
دولت در این قسمت بودند و دست نرفتمشول بازنشستگی  
هستند آنهائی که به سنین بازنشستگی رسیده بودند  
مطابق قوانین موجود بازنشسته شده‌اند و این قانون  
تا حدی که دولت میدانست و میدید که قابل اجرا  
است اجرا شده ولی ضمن توجه باین صورت سه قسمت  
اشخاص و اسامی ۳۰ دسته اشخاص در این صورت  
قید شده بود که دولت وظیفه دار بود این مطلب را  
بر عرض نمایندگان مجلس برساند چون عده‌ئی از  
اسامی ستاورها و کلاه در این صورت بود عده‌ئی  
از قضات دادگستری بود که طبق اصل ۸۱ قانون  
اساسی، قوانین و مقررات خاصی برای آنها وجود  
دارد و در حدود ۷۰ نفر از وزرا بوده است. دولت  
وقتی که باین اصل برخوردنا گذر است آنرا بر عرض  
مجلس شورایی برساند و کسب دستور بکنند ولی  
متأسفانه بعد از يك یا دو هفته دیده شد که  
در روزنامه‌ها این اسامی منتشر شده است و بعد  
از تحقیق معلوم شد که خود هیئت تصفیه در صورتی  
که وظیفه نداشتند که این اسامی را منتشر بکنند،  
این اسامی را در روزنامه‌ها منتشر کرده‌اند. دولت  
بلافاصله تقاضا کرد که کمیسیون دادگستری مجلسین  
تشکیل بشود و دولت این مطالب را از نظر انجام  
وظیفش باطلاع آنها برساند و مشاوره لازم بکند.  
متأسفانه بواسطه تعطیل و نبودن نمایندگان در تهران  
تشکیل این کمیسیونها و این مشاوره هم امکان پذیر  
نشد تا اینکه مجلس شورایی تشکیل شد اینک  
طبق وظیفه‌ئی که دارا هستم اولاً در جواب بیانات

آقای دکتر مصدق و آقای نریمان بایستی بر عرض  
برسانم که دولت وظیفه خودش را تا آنجا که باید  
انجام میدهد انجام داده برای اینکه در تاریخ  
۲-۵-۲۹ در حدود ۴۰۰ نفر از کارمندان دولت  
تقریباً بر کنار دهند ولی این کار کاری نیست  
در يك روز یا يك وقت انجام شود و این مستلزم عمل و اقداماتی  
بوده که باید انجام شود. دوم يك اشکالاتی در کار  
بوده در ضمن اینکه این قانون دولت را مجبور به  
اجرای آن کرده در اینجا خود آقایان هیئت دولت  
را وظیفه دار کرده‌اند در اینجا نوشتید که اگر در  
ضمن عمل به اشکالاتی بر بخورد وظیفه دار است  
که در مجلس حاضر شود و توضیح بدهد و تقاضا  
بکند که رسیدگی کند و رفع اشکال بشود اینست که  
ضمناً بایستی بر عرض برسانم که کارمندان دولت مطابق  
آماري که در دست است ۱۵۸ هزار نفر است که  
رسیدگی فقط به وضعیت ۹۰۰ نفر از کارمندان دولت  
شده بسیار خوب خواهد شد که این رسیدگی نسبت  
به همه کارمندان دولت بشود (صحیح است) اجرا و  
رسیدگی بيك عده مدوردی عمل متصفانه‌ئی نخواهد  
بود (صحیح است) و برای رفع این اشکالات لایحه‌ئی  
تهیه کرده‌ام و تقدیم مجلس میکنم و تقاضا دارم که  
نسبت باین لایحه توجه بفرمائید.

**رئیس** - لایحه برای چاپ و ارجاع به  
کمیسیون فرستاده میشود. حالا مطرح نیست.

**نخست‌وزیر** - ضمناً چون نمایندگان محترم  
ضمن صحبت گذشته از موضوع کارمندان مطالبی در  
اینجا فرمودند که ضرورت دارد که جوابی بر عرض  
محترمشان برسد. اینست چند کلمه نسبت به  
مطالبی که هر يك از آقایان فرمودند بر عرض می‌رسانم  
جناب آقای دکتر مصدق راجع به زندانیان سیاسی  
فرمودند بایستی باطلاع ایشان برسانم که زندانیان  
سیاسی دو یا سه ماه قبل از این دولت مطابق تصمیم  
دولت سابق به زندانهای مختلف کشر فرستاده  
شده بودند و آنروز هم اعزام آنها طبعاً مورد ضرورت  
بود. برای اینکه وضع زندانها بقدری بد است و جا  
بقدری کم است و بقدری نامطلوبست که دولت مجبور  
باتخاذ این تصمیم شد (مکی - چرا از چاقو کشان  
نفرستادید) بعداً وقتیکه آنها رفتند به آنجا صحبت  
هایی در اینجا شد بلافاصله دستور داده شد که در  
زندانهای مرکز و ساختمان هائی که برای ذوب  
فلزات در کرج هست در آنجا تعمیراتی  
بکنند و آنجا اقداماتی بکنند که این زندانی هائی  
که باطراف فرستاده شده‌اند اینها را تدریجاً بر کر  
برگردانند. تا بحال هم ۱۰ نفر از این زندانی هائی که  
فرستاده شده بودند به تهران اعزام شده‌اند و البته  
انجام این امر هم بایستی تدریجی باشد يك مرتبه ممکن  
نیست که آنها را به تهران اعزام کنند تدریج که طرز  
حمل و طرز نگاهداری آنها مقدور باشد این کار را  
دولت انجام خواهد داد ضمناً اشاره‌ئی فرمودند ضمن  
بیانات خودشان به انجمنهای ایالتی و ولایتی من  
نمیدانم ولی فکر میکنم که هر شخصی اگر صحبتها  
و مطالب جناب آقای دکتر را بشنود تعجب میکند  
که چرا اینقدر مطالب ضد و نقیض بیان میفرمائید.

آروز که بنده اینجا می‌روم تقدیم می‌کردم شما گفتید  
که چرا قانون اساسی را اجرا نیکند تشکیل انجمن  
های ایالتی و ولایتی را قانون اساسی میگوید اگر  
قانون اساسی اجرا نشود پس چه چیزی باید اجرا  
کرد؟ شما قانون خاصی را میل دارید! آنچه‌ئی  
که شما میل دارید اگر آهوب و اختلافت و اغتشاش  
است ما ما ما اجرا برایش نیستیم ما ما ما اجرا آنچه‌ئی  
که بنفع مملکت و کشورمانست باید شما منتظر اجرای آن  
باشید آنچه‌ئی که دولت راجع بقانون اساسی میدهند  
این جور تعبیر میکنند. پس من نمی فهمم که چه  
میخواهید آنرا بگوئید که همه بفهمند. جناب آقای  
اردلان راجع بساقرتی که بگردستان کرده بودند  
مطالبی فرمودند و ضمن مطالبی که فرمودند بنده ناگزیرم  
که چند کلمه بر عرض و کلامی بگویم برسانم. آقایان  
استحضار دارید که سابقاً دولت سیاستی از نقطه نظر  
مشایر خودش ایجاد کرد و در نظر گرفت و سالیان درازی  
در این مملکت اجرا کرد. همه ما ما در این مملکت  
شاهد اجرای این جریانها در اجرای سیاست نسبت  
بمشایر بودیم. روح آن قانون و مقررات و جهانی که  
آنروز نسبت بسیاست مشایری بود بسیار خوب بود  
نیشود منکر شد که جهانی که در نظر بود خوب بود  
ولی متأسفانه طرز اجرای آن بنحو خوبی نبود برای  
اینکه تمام نمایندگان محترم مستحضرنند که ۲۴ ساعت  
بعد از شهریور ۲۰ تمام مشایری که شما اظهار می-  
کنید که کوچ داده بودید تمام اشخاصی که شما می  
گوئید برگشتند بجای خودشان (صحیح است)  
در ظرف ۲۴ ساعت مملکت تبدیل بيك وضعیت و  
کانون بسیار بدی شد و چندین سال مشغول شدید  
بزد و خورد کردن. يك پیش آمدی که در مقابل همه  
صورت وقوع پیدا کرد و همه ناظرش بودید منکر  
آن نشوید. پس معلوم میشود آن سیاست آن رویه  
نسبت بمشایر مطلوب نبود (صحیح است) مشایر  
مردمانی هستند. منکر نباید بشوید که امروز در  
مملکت شما یکمده مشایر زندگی می‌کنند. این  
مشایر نسبت شان به جمعیت، بین يك خمس و يك سدس  
است این تعداد تفاوتی که شما بزندگانی هادی و  
شهر نشینی آنهارا سوق دهید و بصورت مطلوبی که  
منظور نظر تان هست در بیاورید ناگزیرید که رویه‌ای  
نسبت به آنها داشته باشید که بتوانید آنها را هدایت  
بکنید و آن هارا بصورتیکه منظور نظر تانست  
بیاورید. يك ده نشین در يك دهی نشسته و در آنجا  
سکونت دارد تا بستان وزمستانش را در آنجا سرمیکند  
ولی يك مشیره‌ئی مجبور است يك مسیر مطلوبی را طی  
کند و تغییر یورد بدهد برای اینکه بتواند احشام  
خودش را نگهداری کند این وضعیت زندگانی  
آنها است آقایان وضعیت زندگانی آنها  
یکناوخت که نسبت اگر توجه بفرمائید دولت  
مجبور است نسبت بمشایر که يك ششم سکنه این  
کشور هستند يك سیاستی داشته باشد که با آن سیاست  
تواند آنها را اداره بکند بایستی بر عرض برسانم که  
حسب الامر اهلبحضرت همایونی و طبق نظریه تصمیم  
دار کسان دولتهای وقت ناگزیر شدند که با توجه

بادقت در این اصل سیاستی را توجیه کنند. کمحضرت  
مشایر بهبود پیدا کند.

این سیاست هم به نتیجه مطلوب رسیده مانعی  
ندارد که آقایان تمام این مسائلی که بنده بر عرض می‌رسانم  
روی جریانها روی روزنامه‌ها، تاریخ و رسائلی که در  
دست تان هست توجه بفرمائید دولت تا سال ۱۳۲۶  
تمام هش صرف جنگ و زود خورد با مشایر خودش  
بود، اگر بیشتر دقت بفرمائید بر این بنده، توجه  
خواهید فرمود که از سال ۲۵ که دولت مجبور شد که  
وضعیت این مشایر را تغییر دهد از ۲۵ بیست سراغ  
ندارید که از مشایر و اتفاق سوئی از نقطه نظر عدم  
انضباط یا برخورد و تماس باقوای انتظامی دولت با  
آنها حاصل بشود بنده عرض میکنم که ممکن است  
يك ایلی يك مشیره یا طایفه‌ای يك سوء عمل و رفتار  
بدی نداشته باشند بالاخره در بین مردم شهرستانها  
و بین همین مردم متدنی که ما از آنها صحبت میکنم  
آیا در بین اینها مردمانی هستند که منحرف بشوند  
و سوء عمل از آنها سر بزند وقتی که از مردم متدین  
شما این انتظار را دارید چطور انتظار دارید يك  
مشایر بی فرهنگگی گاهی ممکن است مرتکب يك سوء  
حرکتی بشوند بنده در همین اینکه منکر این نیستم که  
ممکن است يك وقتی سوء حرکتی از آنها سر زده  
ولی بنده عرض میکنم که آن سیاست مشایری که دولتهارا  
عرض این مدت اخیر تعقیب کرده‌اند بدنبوده بسیار  
خوب بوده ولی این موضوع شاید بنظر برسد اینها  
فرهنگ ندارند بهداشت ندارند چه کسی منکر این  
حرفهاست برای اینکه با بودجه کثونی که در  
دست تان هست در ده و قراه و قصبیات خودتان نمی  
توانید فرهنگ خودتان را اداره بکنید در قراه و  
قصباتی که محل سکونت مردم مسکون شما است با  
بودجه ای که در دهستان هست نمیتوانید گندم خودتان  
را تهیه کنید نمیتوانید آن اموریکه مورد نظر شما  
است انجام بدهید آنوقت چطور ممکن است که از  
مشایری که در عرض سال طول عرض مطلوبی را طی  
میکند این سازمانهای متحرک بوجود بیاید این  
سازمانهای متحرک بدرجات مغایر از سازمانهای  
ثابت بیشتر است برای اینکه شما وقتی که یک نفر  
مأمور فرهنگی را در يك مشیره ای بگذارید طبعاً  
گذشته از حقوق هادی او باید هزینه رفت و آمد او را  
نیو تأدی بکنید پس بنده ضمن اینکه تصدیق میکنم  
مطالب و بیانات آقای اردلان را که از نقطه نظر احساسات  
و علاقه است بایستی بر عرض برسانم که این سیاست  
که نسبت بمشایر اعمال شده سیاست بدی نبوده و نتیجه  
اش مقایسه آن است پشت این میز اگر من و شما بخواهیم  
صحبت کنیم نمیتوانیم موضوع را حل کنیم باید اتفاقات  
و فضایی اخیراً گذاشت جلو دید که در چند سال اخیر  
از نقطه نظر انتظامات دولت اشکالاتی داشته یا نداشته  
چه پیش آمدی شده چه اتفاقاتی بوده آن اتفاقات  
را در نظر گرفت نظریات شخصی و افراض خصوصی  
را باید کنار گذاشت ممکن است ما نظر خصوصی  
نسبت بشخص یا طایفه یا مشیره‌ای داشته باشیم ولی  
در این مجلس و در این مقام مقدس جایز نیست که



با توجه مسائل خصوصی بشویم باید مسائل از جنبه عمومی مورد بحث قرار گیرد پس مریضم را غایب میهم و امیدوارم که مریضم مورد توجه قرار بگیرد.

**رئیس** - اجازه فرمائید ۹ نفر از آقایان در ضمن بحث ایشان اجازه خواسته اند حالا باید دید بجه ترتیب و راجع به چه موضوعی صحبت بشود  
**دکتر مصدق** - طبق ماده ۱۶۸ چون جواب سؤال بنده را دادند میخوام صحبت کنم  
**رئیس** - راجع بزندانان سیاسی  
**دکتر مصدق** - بله آقا.  
**رئیس** - فرمائید.

**دکتر مصدق** - ترم نرسی بکمیته ای امرایی این ره که تو میروی به ترکستان است، من قبل از اینکه شما نخست وزیر بشوید اگر بعضی چیزهای شما عقیده نداشتیم به عقل شما اعتماد داشتیم ولی بعد از اینکه نخست وزیر شدید دیدم که در اشتباه بودم مجلس شورای ملی قانونی وضع کرد که وضعیت کارمندان دولت را رسیدگی بکند هیئت تصفیه بنا بدستور قانون مرسوم عده ای در بند (الف) عده ای را در بند (ب) عده ای را در بند (ج) گذاشت من نسبت به بند الف معتقد نیستم بجهت اینکه اصل استخدام دولت روی اصل اعتماد است کلیه مستخدمین دولت صحت عمل دارند مگر اینکه بشود پرسد که این ها صحیح العمل نیستند اگر ثابت شد آنوقت دولت میتواند طبق قانونی که مجلس وضع کرده است عده ای را در بند ب بگذارد یکمده را هم در بند ج بگذارد بعد از اینکه هیئت تصفیه رای خودش را داد مستخدمین را سه طبقه معین کرد بنده عرض کردم که نسبت به تصمیمات هیئت تصفیه با خیلی چیزهای مخالفم زیرا خیلی اشخاص بد را در بند الف گذاشته اند و با خیلی اشخاص خوب را در بند ج گذاشته اند یا در بند ب گذاشته اند اما آن هیتی که صلاحیت دارد بگوید که هیئت تصفیه کار غلطی کرده شما نسبت به آن چهار صد نفر آدمی که مشمول بازنشستگی بودند یا نبودند البته آن اشخاص اگر مشمول بازنشستگی هم نباشند صلاحشان این است که بیایند خدمت جناب آقای تیمسار اظهار ارادت بکنند و بگویند که ما منت داریم باز نشسته بشویم و بند ج نشویم بنده میدانم که چه اشخاصی جناب عالی را دیده اند و جناب عالی بر خلاف قانون آنها را که حق بازنشستگی هم نداشتند باز نشسته کردید این کار وظیفه شما نبود مملکت آقا این قدر بل بشو و هرج و مرج شده است که شما هر کار که میخواهید میکنید این کار مربوط بیک معکه است یک هیتی است که مجلس شورای ملی آن هیئت را معین بکند و شما هر پیشنهادی بکنید ما آقا قبول میکنیم که با تصویب نمایندگان مجلس اشخاص صلاحیت دار به نشینند و رسیدگی بکنند به بینند که فلان شخص حق بازنشستگی دارد و یا فرار از بند ج میکنند چه بسیار اشخاصی که اساساً باز نشسته نبودند و شما آنها را باز نشسته کردید

که مشمول بند ج نباشند ما پیشتر در کار اداری ارتباط داریم که این فرمایشی را که جناب عالی فرمودید بشما جواب بگویم شما چه حق داشتید بعد از رای هیئت تصفیه بکنند آدمی که مشمول بند ج بوده وزیرش بکنید اگر بیاید اینجا من با پس گردنی بیرونش میکنم بعدا قسم این وزیرانی که مشمول بند ج هستند اگر بیایند با پس گردنی آنها را بیرون میکنم (نخست وزیر - شما حق ندارید همه شان را فردا میآورم اینجا) شما توجه باین وضعیت ندارید صلاح مملکت این نیست که شما مجلس شورایی را به انقلاب بیندازید شما باید بدانید که صلاح مملکت اینست که شما به قانون احترام بگذارید قانون را رعایت بکنید هیئت تصفیه اگر اشخاصی را جز بنده بفرماید باید آنها را از کار کنار بکنید و اشخاص موجهی را در کابینه بگذارید و بیایید در مجلس معرفی بکنید و اگر معیوبیتی هم دارید به آن می افزائید اینک روز بروز کار را بجای بدی برسانید اگر شما اهل باشید آیا آدم اهل می تواند با این زندقه بملکت خدمت بکند بشما نه با مخالفت نمایندگان مجلس با مخالفت افکار عمومی شما نمی توانید هیچ خدمتی باین مملکت بکنید شما باید پایتان را آنجائی بگذارید که افکار عمومی موافق است هر جا که برخلاف بگذارید اگر موافقتی هم پیدا بکنید موقتی است عاقبت شما از بین میروید برخیز مملکت بشما نصیبت میکنم بشما عرض میکنم که برخلاف افکار عمومی نروید شما اگر رفتید بنده برای شما فضا نمی خورم ولی بنده از این فضا میخورم که شما آمدید وقت خودتان را وقت مملکت را صرف کار هائی کردید که دو یول فایده ندارد این یکی، موضوع دیگر هم موضوع زندانیان سیاسی است بنده از شما متشکرم که کاسه از آش داغتر شده آید به آنهائی که بد میگفتند به آنها نخواستید بد بگذرد شما که یک دولت مقتدر هستید بنده نمیخواستم این موضوع را در مجلس عرض کنم شما چه طور قادر نیستید نمی توانید باز زده نفرزندان سیاسی را در مرکز اداره بکنید شما آنها را در این شهر حفظ بکنید شما این کار را ننمودید شما گفتید که این کار را دولت سابق کرده است شما آقا اگر اهل کار هستید شما آنها را باید می آوردید وقتیکه من شما نوشتم گفتم آقا آنها میخواهند بیایند بر مرکز در مرکز برای چه؟ برای اینکه میگویند زن و بچه ما آن جا از ما دور هستند برای این که کسان و فامیلشان در مرکزند میتوانند آنها را ملاقات کنند ما، حالا با دولت سابق کار نداریم شما کاسه از آش گرمتر هستید شما بجای مرکز در زندان بزد و شیراز میخواهید اطاق بدهید که آنها خوش بگذرد آقای رزم آرا بنده کمال تشکر را میکنم عرضی هم ندارم اما راجع به انجمن های ایالتی که گویا برای اصلاحات مملکت میخواهد تشکیل بدهید مخالفم هر کس که بخواهد قسمی برای مملکت بردارد مادست او را میگیریم ما

برای چه در این انجمن های ایالتی شما تشکیل نکرده اید؟ این انجمن های ایالتی یک چیز است داشت که رجال ملی و وطن دوست صلاح نمی دانستند که وضعیت صورتی در آید که انجمن های ایالتی تشکیل بشود ولی چون شما از یگانگان نامور داشتید که انجمن ها را تشکیل بدهید ما با شما کاملاً مخالفت کردیم ما مخالف نیستیم که کار اهالی محل بنظر اهالی محل برسد شما که نمی توانید یک انجمن بلدی را مطابق قانون آزادانه و بطور آزاد انتخاب کنید و در دو محل که انجمن های بلدی انتخاب شد موجب شکایت شد پس شما قادر نیستید انجمن های ایالتی و ولایتی را مطابق افکار عمومی انتخاب بکنید در انجمن های ایالتی اشخاص متنفذ اشخاصی که آستان بوس یگانگان هستند وارد می شوند آنها ادعای استقلال می کنند وزیر حکومت مرکز میزنند بنده بشما اینطور عرض کردم و عرض می کنم که شما اول بیاید این انجمن بلدی را انتخاب بکنید که بیاید خانه مردم را تیز بکنند و بیاید چراغ مردم را درست بکنند اگر شما توانستید اینکار را بکنید ما شما حق می دهیم که آنوقت انجمن های ایالتی و ولایتی را دایر بکنید و الا شما مملکت را به دوئیت و دو دستگی میاندازید در این مملکت هیچ خدمتی نبود بعضی اینکه مشروطه پیش آمد یکمده مشروطه خواه همدند یکمده مستبد این وضعیت چندین سال دوام کرد تا مخالفین از بین رفتند و مشروطه ریشه پیدا کرد امروز هیچکس صحبت از انجمن های ایالتی نکرده هیچکس تقاضای چنین کاری نکرده شما آمدید و برخلاف مصالح اینکار را کردید دو دسته در این مملکت وجود دارید یکمده ای وارد اینجریان میشوند و یکمده ای نمی شوند آن عده ای که قوی هستند با کمک یگانگان وارد میشوند و یکمده هم وارد نمی شوند که ضعیف هستند آن عده زیادی از مردم که ناراضی هستند بکجا خواهند رفت آنها انقلاب می کنند شما وضعیت مملکت را میخواهید با انقلاب بپیرید یعنی تفهیمه اینکار را میکنید بنده نمیخواهم عرض کنم که شما تفهیمه اینکار را میکنید نه تفهیمه بنده قسم اگر این انجمن های ایالتی و ولایتی انتخاب بشود در این مملکت شما خواهید دید در تمام اطراف این مملکت اختلاف و دو دستگی خواهد شد و این مملکت یک پارچه بلوا خواهد شد بشما من صلاح مملکت را در این نمی بینم ما خیر خواه شاه هستیم ما خیر خواه مملکت هستیم شما بیاید انجمن بلدی را انتخاب بکنید و اگر توانستید آنوقت انجمن ایالتی و ولایتی را تشکیل بدهید و الا غیر اینک وقت خودتان را وقت مملکت را صرف اینکار بپهوده بکنید نتیجه دیگری نخواهید برد حالا جناب عالی می خواهد مریض بنده را قبول فرمائید یا میخواهید همین را می که میروید بروید امیدوارم که بزودی زمین خواهید خورد

**رئیس** - آقای نخست وزیر فرمائید  
**نخست وزیر** - بنده با اینکه مطا ابراهیم عرض کرده

بردم و در نظر داشتم که دوباره وارد موضوع بشوم ولی جناب آقای دکتر مطالبی ضمن بیان ایشان فرمودند که ناگزیرم جواب عرض کنم (صحیح است) اولاً ایشان اینطور فرمودند که بنده نمیتوانم که از خارجی ها دازم که برای مملکت کار کنم بنده خودم وطن پرستی خود را نشان داده ام.  
جناب آقای دکتر شما که میلیونر هستید دهات بسیار دارید قراه و نصیبات فراوان دارید چکار کردید شما وطن پرست هستید یا من؟ من آدمی هستم که ۳۰ سال در این مملکت سابقه خدمت دارم (کف زدن تماشا چیان) (زنک منتد رئیس - همه تمنا بندگان) (رئیس - کسانی را که دست زدند خارج کنید) دوم ایشان ضمن جواب خودشان باز راجع بانجمن های ایالتی و ولایتی صحبت کردند تشکیل انجمن ایالتی و ولایتی طبق قانون اساسی است ما برخلاف قانون اساسی نمیتوانیم

دکتر حکیم سوم اینکه فرمودند اگر روزی ایشان را بیآورید من اینجا سرشان را میبرم بنده سؤال میکنم مگر مجلس شورای ملی تصاباته است اینجا مگر چاقو کش هست؟ بنده فردا وزرا را می آورم به مجلس شما هر کاری که میتوانید بکنید  
**رئیس** - پیشنهاد تنفس شده  
**فرامرزی** - بنده مخالفم اخطار نظامنامه ای دارم.  
**رئیس** - آقای کشاورز صدر فرمائید  
**فرامرزی** - اخطار مقدم است طبق ماده اینکه تماشاجی حق ندارد تظاهر بکند شلوغ بکند نظامنامه معین کرده باید مجازات بشوند باید خارج شوند.  
**رئیس** - طبق نظامنامه عمل شد دستور داده شد آنها را خارج بکنند.

دکتر حکیم سوم اینکه فرمودند اگر روزی ایشان را بیآورید من اینجا سرشان را میبرم بنده سؤال میکنم مگر مجلس شورای ملی تصاباته است اینجا مگر چاقو کش هست؟ بنده فردا وزرا را می آورم به مجلس شما هر کاری که میتوانید بکنید  
**رئیس** - پیشنهاد تنفس شده  
**فرامرزی** - بنده مخالفم اخطار نظامنامه ای دارم.  
**رئیس** - آقای کشاورز صدر فرمائید  
**فرامرزی** - اخطار مقدم است طبق ماده اینکه تماشاجی حق ندارد تظاهر بکند شلوغ بکند نظامنامه معین کرده باید مجازات بشوند باید خارج شوند.  
**رئیس** - طبق نظامنامه عمل شد دستور داده شد آنها را خارج بکنند.

**مکی** - تماشاجی ما چه میکنیم  
بشپیان دولت هستند آنها دولت آورده  
**کشاورز صدر** - بنده از آقایان میگویم که اجازه فرمائید (دکتر مصدق - بنده میگویم است که دم در خانه من یک نفر ناشایست است من ایشان اطمینان ندارم).  
**رئیس** - آقای کشاورز صدر مجلس را موقت دارد تنفس داده شود دیگر توضیح ندارد.  
**کشاورز صدر** - اگر حق صحبت بنده محفوظ باشد بنده موافقت میکنم برای اینکه تشییع بشود  
**۵ - ختم جلسه بعنوان تنفس**  
**رئیس** - بسیار خوب حق شما محفوظ است (در اینصورت یک ربع قبل از ظهر جلسه بعنوان تنفس تعطیل و دیگر تشکیل نکرده)  
**رئیس** مجلس شورای ملی - **رضاحکمت**

مرکز  
ت و شهر  
وزمان فراوان بدهیم و